

اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار - روایات عرضه و طرح

برگه جلسه :

صفحه 1651 و 1652

6. برخی از مصادیق مخالفت با اصول مسلم شریعت

الف) نقد و بررسی برخی روایات مبین ثواب یا عقاب

به دو متن ذیل توجه کنید:

یکم

«...با بودن این همه دعاهای معتبره مرویه با مضامین عالیه و کلمات فصیحه بلیغه دعائی بی ربط در کمال برودت جعل نمایند و نام او را «دعای حبی» گذارند و از کنگره عرش آن را نازل نمایند و چندان فضیلت برای او وضع نمایند که انسان را متحیر و سراسیمه نماید از جمله آن که العیاذ باللہ جبرئیل بحضرت رسول صلی الله علیه و آله از جانب حق سبحانه و تعالی گفته باشد که هر بنده‌ای که این دعا را با خود دارد او را عذاب نکم اگر چه مستوجب جهنم باشد و عمر خود را به معصیت گذرانده باشد و مرا در هیچوقت سجده نکرده باشد من آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر بدهم و ثواب هفتاد هزار زاهد و ثواب هفتاد هزار شهید بدهم و ثواب هفتاد هزار نماز گزار بدهم و ثواب هفتاد هزار برهنه که پوشانیده باشد، بدهم و ثواب هفتاد هزار گرسنه که سیر کرده باشد بدهم و ثواب بعدد ریگهای بیابانها بدهم و ثواب هفتاد هزار بقعه زمین بدهم و ثواب مهر نبوت رسالت پناه بدهم و ثواب عیسی روح الله و ابراهیم خلیل الله بدهم و ثواب اسماعیل ذبیح الله و موسی کلیم الله و یعقوب نبی الله و آدم صفی الله و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و فرشتگان بدهم یا محمد هر که این دعای بزرگوار حبی را بخواند یا با خود دارد بیمارزم او را و شرم دارم که عذاب کنم الخ و شایسته است که انسان از شنیدن اینها عوض خنده، گریه کند...»¹

دوم

«...و الذی أقوله فی قوله - علیه السلام - : «من مثل مثالا» یعنی به آنه من ابدع بدعه و دعا الیها او وضع دینا فقد خرج من

الاسلام...»²

نقد و بررسی این دو متن

متن اول از محدث متبوع شیخ عباس قمی است و مفاد آن انکار ترتب ثوابهای محیرالعقول برای کار کم زحمتی چون خواندن یا همراه داشتن یک دعاست. بگذریم که جناب ایشان شبیه این مفاد را نسبت به برخی دعاهای معتبر پذیرفته است. شاید به این جهت که دعای مورد بحث ایشان مجعول و بیان ثواب آن هم در نصی معتبر نرسیده است، لکن اگر دعا و نص مبین ثواب آن مشکل سند نداشت، با خیال راحت باید پذیرفت. ما این فهم و مدیریت را قبول نداریم و در ادامه آن را نقد خواهیم کرد.

متن دوم از جناب شیخ صدوق - قدس سره - است که با نظارت بر حدیث امیرالمؤمنین - علیه السلام - : «من جدّد قیراً او مثل مثلاً فقد خرج من الاسلام»³ بیان کرده است. تفسیری که جناب ایشان از «مثل مثالا» می کند با خروج از اسلام مناسبت دارد و الا صرف یک نقاشی ساده بدون هیچ پسوند و پیشوندی با این عقوبت تناسب ندارد.⁴ از این جا به یک اصل می رسیم و آن این که نمی توان به راحتی روایات غیر قطعی مبین ثوابها یا عقابهای غیر متناسب با عمل و جرم را به راحتی پذیرفت و در این باره حداقل باید احتیاط کرد و علم آن را به اهلش واگذار نمود؛ هر چند به دلیل امکان اعمال تعبد در این موارد و عقلی محض نبودن

مسأله، نباید به سرعت موضع سلب و نفی گرفت. فتامل.

(جلسه هفتاد و چهارم)

ب) روایات تأمین از عقاب با داشتن برخی صفات و حالات حتی در فرض ارتکاب گناه

از مواردی که به نظر ما مجالی است برای تأمل جدی (بلکه و رد آن‌ها) برخی روایات است که به انسان‌ها تأمین از عقاب می‌دهد هر چند شخص مرتکب معصیت‌های بی‌شمار گردد! متنی که محدث قمی نقل کرد، حاوی این مفاد (به نظر ما: باطل) بود!

به این روایت‌ها نیز توجه کنید:

قال ابو عبدالله - عليه السلام - : «...ان حُبنا اهل البيت لِيَحُطُّ الذنوب عن العباد كما تحطُّ الريح الشديدة الورق عن الشجر»؛ 5 «حَبَّ عَلِي - عليه السلام - حسنة لا يضر معها سيئة»؛ 6 «قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : اربعة انا الشفيع لهم يوم القيامة و لو أتوني بذنوب اهل الارض معين [المعين] لاهل بيتي و القاضى لهم حوائجهم عندما اضطروا اليه و المحب لهم بقلبه و لسانه و الدافع عنهم بيده»؛ 7.

نقد و بررسی

بدون شک نقش عظیم محبت اهل بیت - علیهم السلام - قابل انکار نیست لکن این که تأمین خاطری به انسان داده شود که اگر با گناه اهل زمین بمیرد در برزخ رها است و هرگاه وارد محشر شود از شفاعت (و قاعدتاً: شفاعت مقبول) رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - برخوردار است مخالف بی‌شماری از نصوص روایی و آیات قرآن است که بر لزوم اقتران عمل صالح با ایمان در نجات انسان تأکید دارد.

(پایان جلسه)

1. مفاتیح الجنان، در فقرات زیاد شدن بر زیارت وارث.
2. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 121.
3. همان، ص 120، ح 579.
4. ر.ک: نیز بحار الانوار، ج 82، ص 18.
5. همان، ج 27، ص 77.
6. ر.ک: فضائل شاذان بن جبرئیل، ص 96.
7. بحار الانوار، ج 27، ص 77 و 78.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

7- روایات تأمین از عقاب با داشتن برخی از حالات و صفات حتی در فرض ارتکاب گناه

گفته شد که ما در موارد شناخت موافق با اصول مسلم شریعت و مخالف اصول مسلم بد نیست بلکه لازم است مواردی را شناسایی کنیم. شناسایی این موارد غیر از اثر معرفتی و اعتقادی که دارد در استنباط هم مؤثر است و یک مسأله‌ی اصولی می‌شود. دیروز مواردی را نقل کردیم که برای برخی از کارها ثواب‌های محیر العقول یا حتی برخی از اعمال برایشان عقاب‌های محیر العقول قرار داده شده است، این‌ها حداقلش این است که انسان احتیاط کند. یک مورد را نقل کردیم از شیخ عباس قمی، شیخ صدوق و برخی دیگر از افراد. اما نکته‌ی دیگر که باید بیان کنم که خیلی مهم است آن است که گاهی یک عناوین ثانوی بوده که انسان باید آن عناوین ثانوی را هم باید مطمئن نظر قرار دهد مثلاً در مورد ثواب زیارت امام رضا ع دارد که ثواب چند عمره دارد، راوی تعجب می‌کند امام آن را اضافه می‌کنند باز راوی تعجب می‌کند، امام اضافه می‌کنند تا آخر این روایت،

مخصوصاً وقتی که روایت عمره را هم که چه ثواب عظیمی دارد را هم در نظر بگیریم، ممکن است مطابق مطلبی که دیروز گفتیم این روایت مورد تشکیک قرار گیرد اما نکته ای که هست این است که وقتی امام کاظم ع به شهادت رسیدند جریان انحرافی واقفیه پیش آمد و این جریان خیلی با فطحیه که بعد از امام صادق آمدند فرق داشتند، فطحیه یک مدت کمی آمدند خیلی هم نتوانستند نفوذ کنند و بعد هم جمع شد ولی جریان واقفیه داخل بدنه ی شیعه شد، داخل خانه ها شد لذا روایت خیلی متهم به وقف هستند آن هم روات شاخص و ادامه هم پیدا کرد، لذا امام رضا حیا و میتا نباید از فرهنگ شیعه و حتی فرهنگ اسلام جدا باشد، زمان حیات ایشان که کوتاه بود و به دست خود ایشان بود ولی باید نام ایشان بعد از شهادتشان زنده بماند و یکی از راه های زنده ماندن نام ایشان و برنگشتن جریان واقفیه همین زیارت حضرت بود، در واقع بزرگداشت نام امام رضا دروازه ی ورود به شیعه ی دوازده امامی است لذا اگر این طور باشد تابع زمان و مکان است و مثلاً تا زمانی که نیاز به بزرگ کردن نام امام رضا ع باشد این ها هست و بعد از آن باید احتیاط کرد و مثل من احتیاط می کنم و نمی گویم. یا زیارت امام حسین ع ثواب هایی که نقل شده است به هر حال نام امام حسین به عنوان یک جریان مبارزه علیه کسانی که به اسلام اعتقاد نداشتند است. بهترین راه این است که ما مسلمات را بگیریم و نقل کنیم و مشکوکات را رها کنیم و علمش را به اهلش واگذار کنیم و مثل کسانی که مسخره می کنند و انکار می کنند هم نباشیم. من می خواستم بگویم تا یک روایتی دیدیم نباید عنوان اولی را نگاه کنیم بلکه باید به آن عناوین ثانوی هم توجه شود و لذا زود در مورد روایات تصمیم نگیریم.

راجع به حب اهل بیت ما چهار مرتبه داریم اولین مرتبه معرفت اهل بیت است، دوم محبت اهل بیت، سوم مودت است که قرآن هم بر روی آن تأکید می کند، گاهی گفته اند مودت یعنی محبت ابراز شده منتهی نه ردش از لغت فهمیده می شود و نه قبولش، من دنبال کرده ام و رگه هایش را دیده ام به هر حال اگر از لغت هم نتوان این را ثابت کرد به هر حال مرحله ی سوم محبت ابراز شده است؛ چهارم هم ولایت است به کسر واو یعنی بپذیرد سروری آن ها را و اطاعت کند و گاهی هم تعبیر می شود به اطاعت. ما در بحث امروز و فردا روی کلمه ی حب کار داریم و روایاتی که آثار زیادی را برای حب بیان کرده است و ما کاری به آثار زیادی که بیان شده است را کاری نداریم چون مربوط به بحث قبل بود بلکه الان بحث ما در مورد روایاتی است که در مورد حب اهل بیت است و تأمین از عذاب داده است با هر درجه از گناه.

این بحث دغدغه ی علما در طول تاریخ هم بوده است و حرف هایی هم زده اند که بعضاً شبیه به شوخی است مثلاً مرحوم سلطان الواعظین که انسان مطلعی هم بوده است وقتی شخصی در مورد این روایت که من بکی او ابکی او تباکی ... از او می پرسد که آیا شما چنین روایتی دارید یا نه ایشان می گوید: داریم ولی روایت می گوید «من» و من یعنی هر کسی، ما یک کس داریم و یک ناکس؛ روایت نمی گوید هر ناکسی که گریه کند فله الجنة.

مرحوم آقای مطهری می گوید این که می گوید اگر سرتاپا گناه هم باشی ولی محبت اهل بیت داشته باشی به بهشت می روی این تعلیق به محال است و معنایش این است که نمی شود کسی محبت اهل بیت داشته باشد و سرتا پا گناه باشد، یعنی تو این کار را نخواهی کرد مثل این که بگوییم تو اگر مجتهد هم بشوی اگر بگویی شراب هم حلال است من می پذیرم که به این معنا است که تو اگر مجتهد شوی نخواهی گفت که شراب حلال است. این توجیه بد نیست ولی برای کسی که این روایات را ندیده باشد اما روایات که این نیست، روایات می گوید محبت سه مرحله دارد ... یا می گوید اگر گناهانش به اندازه ی ریگ های بیابان باشد که این ها با این توجیه جمع نمی شود.

مشکل این روایات این است که این ها با یک اصل راهبردی قرآن یعنی لزوم اقتران ایمان با عمل مخالف است. یعنی یک جا قرآن نگفته است که کسی که فقط اعتقاد داشته باشد نجات پیدا می کند بلکه بیش از دویست بار تأکید می کند بر روی عمل صالح برای نجات انسان.